

الرابع: في الأحكام، وهي مسائل:

مبحث چهارم: احكام زهار

الأولى: الظهار محرم.

اول: زهار حرام است.

الثانية: لا تجب الكفارة بالتلفظ، وإنما تجب بالعود، وهو إرادة الوطء. ويحرم الوطء حتى يُكفَّر. ولو وطئ قبل الكفارة، لزمه كفارتان. ولو كرر الوطء تكررت الكفارة.

دوم: كفاره با گفتن لفظ زهار واجب نمی‌شود، بلکه با بازگشت از آن - که همان اراده نزدیکی کردن است - واجب می‌شود، و نزدیکی کردن قبل از پرداخت كفاره، حرام است و اگر قبل از پرداخت كفاره نزدیکی کند باید دو كفاره پرداخت نماید، و اگر نزدیکی را تکرار کرد، كفاره تکرار می‌شود.

الثالثة: إذا طلقها بعد الظهار رجعيًا، ثم راجعها لم تحل له حتى يكفر. ولو خرجت من العدة، ثم تزوجها ووطئها، فلا كفارة. وكذا لو طلقها بائنًا، وتزوجها في العدة، ووطئها. وكذا لو ماتا، أو مات أحدهما، أو ارتدا، أو ارتد أحدهما.

سوم: اگر زن را بعد از زهار طلاق رجعی دهد، سپس در عده رجوع کند تا زمانی که كفاره را نپردازد زن بر او حلال نمی‌شود، و اگر بعد از اتمام عده دوباره با او ازدواج کند برای نزدیکی نیازی به دادن كفاره نیست. همچنین اگر او را طلاق بائن دهد و در عده با او ازدواج کند، یا هر دو یا یکی از آن‌ها بمیرد یا هر دو یا یکی از آنها مرتد شود، پرداخت كفاره لازم نیست.

الرابعة: إذا قال: أنت علي كظهر أمي إن شاء زيد، فقال: شئت، وقع، ولو قال: إن شاء الله، لم يقع زهار به.

چهارم: در صورتی که مرد بگوید «انت علی کظهر امی إن شاء زید» (تو برای من مانند پشت مادرم هستی اگر زید بخواهد) و زید بگوید: «می‌خواهم» زهار واقع می‌شود، ولی اگر مرد بگوید: «انت علی کظهر امی إن شاء الله» (تو برای من مانند پشت مادرم هستی اگر خدا بخواهد) زهار واقع نمی‌شود.

الخامسة: لو ظاهر من أربع بلفظ واحد، كان عليه عن كل واحدة كفارة. ولو ظاهر من واحدة مرارًا، وجب عليه بكل مرة كفارة، فرّق الظهار أو تابعه. ولو وطئها قبل التكفير لزمه عن كل وطاء كفارة واحدة.

پنجم: اگر با گفتن یک لفظ با چهار زنظهار کند باید برای هر کدام از زن‌ها یک کفاره بدهد، و اگر با یکی از زنانش چندین بار پشت سر هم یا جداگانهظهار کند باید به ازای هر بار یک کفاره بدهد. چه اینظهار جداگانه باشد و چه به دنبال آنها باشد. و اگر قبل از پرداخت کفاره با او نزدیکی کند برای هر بار نزدیکی باید یک کفاره بدهد.

السادسة: إذا أطلق الظهر حرم عليه الوطء حتى يكفر، ولو علقه بشرط جاز الوطء ما لم يحصل الشرط، ولو وطأ قبله لم يكفر. ولو كان الوطء هو الشرط يثبت الظهر بعد فعله، ولا تستقر الكفارة حتى يعود.

ششم: اگر بدون قرار دادن شرطیظهار کند تا قبل از پرداخت کفاره، نزدیکی کردن بر او حرام است، و اگرظهار را مشروط به چیزی کند تا زمانی که شرط محقق نشود نزدیکی کردن جایز است، و اگر قبل از آن نزدیکی کند کفاره واجب نمی‌شود، و اگر نزدیکی کردن را شرط قرار دهد^(۱) بعد از نزدیکی، زن بر او حرام می‌شود تا کفاره بدهد.

السابعة: يحرم الوطء على المظاهر ما لم يكفر، سواء كفر بالعتق أو الصيام أو الإطعام. ولو وطأها في خلال الصيام استأنف. ويحرم عليه ما دون الوطء كالقبلة والمساحقة.

هفتم: نزدیکی کردن برایظهار کننده قبل از پرداخت کفاره حرام است. چه کفاره با آزاد کردن بنده‌ای باشد یا گرفتن روزه و یا اطعام کردن باشد. و اگر در بین روزه‌های کفاره نزدیکی کند، باید از ابتدا شروع کند و کمتر از نزدیکی مانند بوسیدن و ملاعبه نیز بر او حرام است.

الثامنة: إذا عجز المظاهر عن الكفارة، أو ما يقوم مقامها عدا الاستغفار يجزيه الاستغفار.

هشتم: اگرظهارکننده از پرداخت کفاره یا جایگزین آن به جز استغفار ناتوان باشد، همان کفایت می‌کند.

التاسعة: إن صبرت المظاهرة فلا اعتراض، وإن رفعت أمرها إلى الحاكم، خيرته بين التكفير والرجعة أو الطلاق، وأنظره ثلاثة أشهر من حين المرافعة. فإن اقتضت المدة، ولم يختار أحدهما ضيق عليه في المطعم والمشرب، حتى يختار أحدهما. ولا يجبره على الطلاق تضييقاً، ولا يطلق عنه.

نهم: اگر زنی کهظهار شده است صبر کند که هیچ، و اگر موضوع را به حاکم ارجاع دهد، حاکم به مرد بین پرداخت کفاره و بازگشت و یا طلاق دادن زن، حق انتخاب می‌دهد و از آن زمان به او سه ماه مهلت می‌دهد؛ پس اگر مدت به پایان رسید و یکی از دو مورد را انتخاب نکرد، در غذا و نوشیدنی‌اش سخت می‌گیرند تا یکی را انتخاب کند و با سخت‌گیری او را مجبور به طلاق نمی‌کند و نمی‌تواند از طرف او طلاق بدهد.

1- مانند اینکه بگوید تو مانند پشت مادر من هستی اگر با تو نزدیکی کنم. (مترجم)

ويلحق بهذا:

بيوست:

النظر في الكفارات:

كفارها

...